

Continuity and Change in the Relations between Iran and Russia; A look from a Logging Perspective

Seyyed Ruhollah Haj Zargarbashi^۱

Sobhan Mohammadi^۲

Mohammad Bagher Mokarempour^۳

(Received: 25/04/2023 - Accepted: 28/08/2023)

Abstract

Iran's foreign policy has always been faced with various opportunities and threats due to reasons such as its territorial position and political forces that arise from specific historical conditions. Especially in the past few centuries, due to the formation of national governments and the consequences of international politics on them, along with domestic political tendencies or foreign invasion and influence, this historical process of foreign policy has always taken an outstanding course. With this explanation, since the historical relations between Iran and Russia are considered an important chapter in the history of politics and modern foreign relations of Iran, in this article, an effort has been made to focus on the course of historical developments between Iran and Russia to achieve a common Explanatory and historical classification, the effective factors that cause challenges or create opportunities in the relations between the two countries should also be identified. This view led us to assume that with the general study of the history of Iran-Russia relations from the beginning of their formation, the effectiveness of this issue from internal political structural developments in the two countries, as well as independent environmental and international factors and variables, in addition to The advantage of bilateral trade is obvious. As a result, it seems that these factors have pushed the history of the two countries forward. Therefore, the

^۱ Assistant Professor, Culture and Communication Research Institute, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran (R.zargarbashi@yahoo.com)

Orcid Code: <https://orcid.org/0000-0003-2451-8624>

² PhD student, Department of International Relations, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Sobhan.mohammadi@srbiau.ac.ir)

Corresponding Author

Orcid Code: <https://orcid.org/0009-0008-3927-0987>

^۳ PhD student, Department of Political Science, Shahed University, Tehran, Iran (Bagher.mokarami@ut.ac.ir)

Orcid Code: <https://orcid.org/0000-0002-3570-2761>

main question of this research will include the issue of how historical factors and requirements have shaped the relations between Iran and Russia.

Keywords: Iran, Russia, Foreign Relations, Foreign Policy

تداوم و تغییر در روابط ایران و روسیه؛ نگاهی از منظر روند نگاری

سید روح الله حاج زرگر باشی^۱

سبحان محمدی^۲

محمد باقر مکرمی پور^۳

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۰۵ - تاریخ تصویب: ۱۴۰۲/۰۶/۰۶)

چکیده

سیاست خارجی ایران به دلایلی مانند موقعیت سرزمینی و نیروهای سیاسی برآمده از شرایط خاص تاریخی، همواره با فرصت‌ها و تهدیدهای گوناگونی مواجه بوده است. به طور مشخص در چند قرن گذشته، به علت شکل‌گیری دولت‌های ملی و تبعات ناشی از سیاست بین‌الملل بر آن، در کنار تمایلات سیاسی داخلی یا هجوم و نفوذ خارجی، این روند تاریخی ساخت سیاست خارجی، همواره سیر برجسته‌ای را پیموده است. با این توضیح، از آنجاییکه روابط تاریخی ایران و روسیه به عنوان فصل مهمی از تاریخ سیاست و روابط خارجی مدرن ایران در نظر گرفته می‌شود، در این مقاله تلاش شده است ضمن تمرکز بر سیر تحولات تاریخی میان ایران و روسیه به منظور دستیابی به یک

۱. استادیار پژوهشکده فرهنگ و ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
(R.zargarbashi@yahoo.com)

Orcid Code: <https://orcid.org/0000-0003-2451-8624>

۲. دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
نویسنده مسئول (Sobhan.mohammadi@srbiau.ac.ir)

Orcid Code: <https://orcid.org/0009-0008-3927-0987>

۳. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه شاهد، تهران، ایران (Bagher.mokarami@ut.ac.ir)

Orcid Code: <https://orcid.org/0000-0002-3570-2761>

جمع‌بندی تبیینی و تاریخی، عوامل موثر چالش‌زا یا مبدع فرصت در روابط دو کشور نیز مشخص شوند. این نگاه، ما را به سمت این مفروض سوق داد که با مطالعه کلی تاریخچه روابط ایران و روسیه از ابتدای شکل‌گیری، تاثیر پذیری این مساله از تحولات ساختاری سیاسی داخلی در دو کشور، همچنین عوامل و متغیرهای مستقل محیطی و بین‌المللی، در کنار مزیت تجارت دو جانبه آشکار می‌شود. در نتیجه به نظر می‌رسد که این عوامل بوده‌اند که تاریخ دو کشور را به پیش برده‌اند. بنابراین پرسش اصلی این پژوهش شامل این مساله خواهد بود که چگونه عوامل و الزامات تاریخی روابط ایران و روسیه را شکل داده است؟

واژگان کلیدی: ایران، روسیه، روابط خارجی، سیاست خارجی

در روابط بین‌الملل، کشورها متحدان خود را می‌توانند انتخاب کنند اما همسایگانشان را، خیر! به عبارت دیگر، وجود همسایگان ناشی از جبر جغرافیایی است و قابل تغییر نیست و نگاه واقع‌بینانه را می‌طلبد. روسیه تنها قدرت جهانی بوده و هست که با ایران مرز مشترک دارد. پس نوع تعریف روابط ما با این کشور در تاریخ، تفاوت‌هایی با سایر قدرت‌ها داشته است. جنگ‌های چندساله در سرحدات، مصالح سیاسی فی‌مابین، ضرورت‌های امنیتی، تهدیدات مشترک، منافع دوجانبه و اهمیت توسعه تجارت بین دو کشور، مناطق سابقاً تحت نفوذ (قفقاز و آسیای مرکزی)، اتخاذ سیاست «تسلط ژئوپلیتیکی» در مقطعی (که در بسیاری از موارد منتهی به جنگ میان دو کشور شده است)، وجود اقلیت مسلمان در روسیه و اقلیت مسیحی در ایران، تاریخ به یکدیگر پیوند خورده و وجود برخی اساطیر مشترک (مانند شاهنامه)، جبر جغرافیایی و ... برخی از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر روابط دو کشور در تاریخ بوده است. همچنین، در کنار اهمیت و اولویت منطقه‌ای آن در وهله اول، روابط ایران و روسیه کم‌وبیش و به نحوی، ایران را هم تابعی از مسائل سیاست بین‌الملل قرار داده است. در کنار چنین ویژگی‌هایی، از تاریخچه روابط ایران و روسیه، به اصطلاح «یک دیوان قابل مطالعه هدفمند» پدید آمده است.

آغاز روابط ایران و روسیه به قرن شانزدهم میلادی برمی‌گردد. زمانی که نهاد دولت در ایران توسط «صفوی‌ها» و در روسیه توسط «ایوان مخوف» ایجاد شد. در دوران صفوی، جنگ‌های اول و دوم ایران و عثمانی تقریباً همه مساله آن روزگار این منطقه بود و مرتب جبهه‌ها جابه‌جا می‌شد. روسیه و ایران در این مقطع مرادوات و مکاتباتی را پیرامون جنگ و مسائل آن میان خود صورت داده بودند. با فروپاشی صفوی در ۱۷۲۲ م، دولت مرکزی مقتدر هم دچار انحطاط شد تا اینکه نادر قلی خان (سردار سپاه صفوی - بعدها نادرشاه) در مدت

کوتاهی دوباره دولت و سرحدات ایران را احیا کرد. در این دوره (قرن هجدهم) با توجه به تنش‌های موجود میان روسیه و عثمانی، روس‌ها کمک‌های نظامی خود را در حوزه توپخانه و آموزش افسران به سپاه نادر در جنگ با عثمانی ارائه می‌دادند (عثمانی به‌عنوان تهدید مشترک). در دوران قاجار، اوضاع و شرایط سیاسی دو کشور را در مقابل هم قرارداد. دولت قاجار بر بازپس‌گیری و حفظ مناطق سابقاً تحت نفوذ ایران در قفقاز در حالی پافشاری می‌کرد که قراردادهای نظامی فتحعلی شاه با انگلستان و فرانسه (قراردادهای ۱۸۰۱ و فینکشتاین) با عدم پایبندی این دو کشور از اعتبار افتاد و روسیه و فرانسه تحت قرارداد «تیلست» علیه انگلستان متحد شدند. در این میان ایران بی‌نصیب ماند و به‌تنهایی و با ارتشی ناآماده وارد قفقاز شد و در گرجستان شکست خورد. این شکست با وساطت انگلیس، زمینه‌ساز قرارداد «گلستان-۱۸۱۲» شد و ایران از قفقاز عقب‌نشینی کرد. فتحعلی شاه دست‌بردار نبود و دوباره با همان وضعیت آشفته نظامی در ۱۸۲۸ به جبران قرارداد گلستان به گرجستان حمله کرد و این بار شکستی به‌مراتب سنگین‌تر نصیب ایران شد. سال‌های پایانی دوران قاجاریه مصادف با سال پایانی جنگ جهانی اول (۱۹۱۷) و انقلاب بلشویکی (کمونیستی) روسیه بود. نیروهای جدید سیاسی در روسیه که قدرت را در دست گرفتند، بعدها برای نشان دادن حسن نیت خود، قرارداد ۱۹۲۱ م را با ایران منعقد کردند که مفاد قرارداد ترکمانچای را ملغی می‌کرد. مسائل دیگری مانند قضیه «نهضت جنگل» هم در این دوران از مسائل مورد مناقشه ایران و روسیه بود. باروی کار آمدن پهلوی اول، با توجه به اینکه هنوز ایران وابستگی‌های اقتصادی به روسیه و انگلیس داشت، این سلسله، سیاست قدرت سوم (نزدیکی به آمریکا مانند دادن امتیازات نفتی به کمپانی سینکلر و اختیار تام گمرکی به هیئت مستشاری آمریکا به سرپرستی میلسپو) را دنبال کرد. آغاز جنگ جهانی دوم همه‌چیز را میان ایران پهلوی و روسیه تغییر داد. در دوران پهلوی دوم، اوج روابط روسیه (شوروی) و ایران به انتهای دهه چهل و اوایل

تداوم و تغییر در روابط ایران و... ۱۲۳

دهه پنجاه شمسی برمی‌گردد. تا آنجا که شوروی را پدر صنایع سنگین ایران می‌نامند (کارخانه ماشین‌سازی اراک و ذوب‌آهن اصفهان). قراردادهای نظامی و قرارداد ۱۵ بازرگانی ایران و شوروی هم از بزرگ‌ترین نمونه‌های همکاری‌های ایران و روسیه پیش از انقلاب است.

تلاش روس‌ها برای نزدیکی به ایران پس از انقلاب اسلامی، به شکلی دیگر تداوم یافت. فشارهای اقتصادی و امنیتی ناشی از دشمنی آمریکا علیه انقلاب اسلامی، از اصلی‌ترین دلایل این موضوع تلقی می‌شود. اما حمله شوروی به افغانستان و مخالفت ایران با این جنگ و حمایتش از مجاهدین و حضور مستشاران روس در ارتش عراق و فروش و ارسال تجهیزات نظامی به این کشور (از دید روس‌ها این حمایت برای حفظ دولت عراق و جلوگیری از گرایش آن به سمت آمریکا بود)، برای مدتی روابط ایران و شوروی به تیرگی گرائید. سیاست مبهم رهبران شوروی در این مقطع زمانی نسبت به خاورمیانه نیز، به این مساله دامن می‌زد. پس از فروپاشی اتحاد شوروی و شکل‌گیری محیط امنیتی جدید منطقه‌ای، ایران و روسیه به تدریج به سمت روابط دوجانبه با درک مشترک از مسائل و منافع سوق پیدا کردند. چیزی که با تمام فراز و فرودهای این دوران، هنوز تداوم دارد.

اهمیت و ضرورت پژوهش

همان‌طور که اشاره شد، یکی از فصول مهم تاریخ سیاست و روابط خارجی ایران، شکل‌گیری مراودات سیاسی و تجاری با روسیه است. با بررسی این مهم در بستر مطالعه تاریخی، به عواملی بر خواهیم خورد که در شکل‌گیری این رابطه و یا ارتقاء و کاهش سطح آن نقش اساسی داشته‌اند. برای مثال، فهم دو کشور از یک تهدید مشترک در یک برهه از تاریخ، به تغییر اولویت‌ها و نزدیک‌تر شدن دیدگاه و یا دلیلی بر ترک مخاصمه فی‌مابین حتی برای مدت کوتاهی در نظر گرفته شده است. در مثالی دیگر، تحولات داخلی سیاسی و تغییر ساختار حاکمیتی در یکی از دو کشور، به تغییرات عمده در سیاست‌گذاری‌ها

در رابطه با دیگری منجر شده است. همین موارد تاریخی و ایضاً تکرارشونده، تحقیق و تعیین درباره آن عوامل مؤثر در تاریخ روابط ایران و روسیه برای دستیابی به یک جمع‌بندی و چارچوب تحلیلی را، ضرورت می‌بخشد.

اهداف پژوهش

هدف اصلی مقاله حاضر، بررسی مناسبات میان ایران و روسیه از نقطه آغاز و نیز سیر تحولات تاریخی میان به‌منظور دستیابی به یک جمع‌بندی تاریخی از نقاط عطف آن است تا عوامل اصلی و مؤثر در فراز و فرود روابط دو کشور مشخص شوند و بتوان از آن‌ها در برنامه‌ریزی برای آینده روابط استفاده کرد.

روش پژوهش

این پژوهش از نظر نوع، یک تحقیق کیفی محسوب می‌شود که به دنبال تبیین تأثیر نقاط عطف تاریخی بر مناسبات و روابط میان ایران و روسیه است. از این رو به لحاظ روش، پژوهشی تبیینی-توضیحی با رویکرد روند نگاری تاریخی است. شیوه گردآوری مقاله به صورت جمع‌آوری داده‌های متنی و ادبیات پژوهش پیشینی، و بررسی متون موجود در قالب کتب و مقالات منتشر شده است.

پیشینه پژوهش

گسترده‌گی موضوع «روابط تاریخی ایران و روسیه» و عوامل گوناگون تاریخی و ساختاری تأثیرگذار بر آن، ذهن برخی از پژوهشگران را برای بررسی این مهم جلب کرده است. شاید یکی از جامع‌ترین منابع در این حوزه، کتاب «تاریخ سیاست خارجی ایران» اثر روح‌الله رضوانی باشد. فصولی چند از این اثر به روابط تاریخی ایران و روسیه اختصاص داده شده است و سعی شده که محورها و علل اختلافات و یا نزدیکی سیاسی - اقتصادی ایران و روسیه مورد روایت مفصل تاریخی قرار بگیرد. در مقاله «ایران و روسیه در گذر تاریخ؛ محیط امنیتی

و مساله تهدید و اتحاد» نوشته جهانگیر کرمی، تلاش شده است ضمن مطالعه مقاطعی از تاریخی روابط دو کشور، عوامل مؤثر بر این روند را نیز مشخص کند. همین نگرش و سیر مطالعاتی در سایر متون مشابه تحلیلی - پژوهشی به نحوی تداوم داشته است. مقاله «از رئالیسم کلاسیک تا رئالیسم ایرانی؛ تحلیل نظری روابط خارجی ایران با قدرت‌های بزرگ (۱۵۰۱-۱۹۷۹)» از این قبیل پژوهش‌هاست. در این مقاله ضمن بررسی روابط ایران با قدرت‌های بزرگ از قرن ۱۶م تا ۲۰م میلادی، بر مناسبات روسیه و ایران در یک بستر روایی تاریخی با تمرکز بر مهم‌ترین علل زمینه‌ساز توجه شده است. با جستجو در کتب، مقالات یا منابع معتبر مشخص می‌شود که پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه محدود بوده و از سوی دیگر، نوع نگاه پژوهش حاضر به موضوع با آن‌ها متفاوت است و این نکته را می‌توان به‌عنوان وجه تمایز و نوآوری این مقاله نسبت به ادبیات پژوهش معرفی کرد.

چارچوب نظری پژوهش

در طول ۲۰ سال گذشته، جامعه‌شناسی تاریخی در روابط بین‌الملل* به بخش قابل توجهی از حوزه گسترده‌تر نظریه روابط بین‌الملل تبدیل شده است. پیوند بین این دو حوزه جامعه‌شناسی تاریخی* و روابط بین‌الملل ثمرات قابل توجهی به همراه داشته است؛ تجزیه و تحلیل ریشه‌ها و انواع سیستم‌های بین‌المللی در طول زمان، پیمان و ستفالی ۱۶۴۸، تحلیل ریشه‌های غیر غربی نظام جهانی معاصر، کار روی رابطه سازنده بین قلمرو بین‌المللی و روابط دولت و جامعه در فرآیندهای تغییرات رادیکال (اصولی)، بررسی منطق اجتماعی نظم‌های مالی بین‌المللی و کاوش در ابعاد بین‌المللی خود جریان مدرنیته بخشی از آن نتایج تحلیلی است. جامعه‌شناسی تاریخی با مدافعان در اقلیت اما در حال حاضر یک

* HSIR: Historical Sociology in International Relations

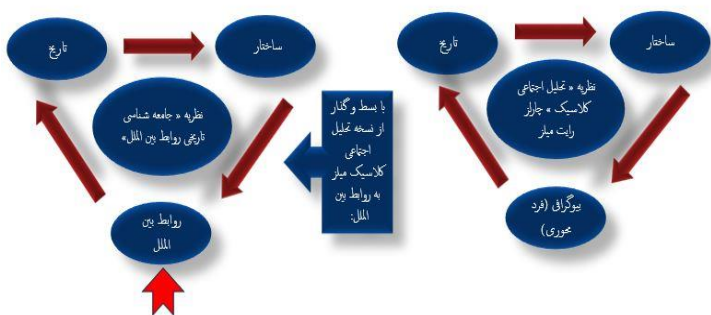
* HS: Historical Sociology

رویکرد رسمی به رسمیت شناخته شده در این رشته است (Lawson, 2007: 2). در روابط بین الملل، نقش تاریخ در مطالعه این رشته (جامعه‌شناسی تاریخی در روابط بین الملل) به شدت مورد مناقشه قرار گرفته است، در واقع جریان اصلی روابط بین الملل - نئورئالیسم و لیبرالیسم - اهمیت تاریخ را کم جلوه داده‌اند. با این وجود، تاریخ جهان تأثیر قابل توجهی بر برخی رویکردهای نظری در مطالعه روابط بین الملل داشته‌اند. جامعه‌شناسی تاریخی توسط موج دوم جامعه‌شناسان تاریخی که در مورد قدرت سیاسی و هموار کردن مسیر دولت برای تعامل بیشتر بین روابط بین الملل و جامعه‌شناسی طرح مساله می‌کردند، مطرح شد (Pula & Stivachtis, 2017: 1).

جامعه‌شناسی تاریخی ضمن تأکید بر کارکرد و نقش دولت‌ها و اهمیت دو مؤلفه «اقتصاد و هویت»، وقایع را بستری تاریخی - اجتماعی تحلیل می‌کند. به ظن طرفداران راه‌یابی جامعه‌شناسی تاریخی به فضای روابط بین الملل در دهه ۹۰ میلادی، نقصان نظریات غالب در تبیین شرایط جدید علی‌الخصوص «تغییرات جدید و گسترش ارتباطات» علت ورود آن به این عرصه بود. دال مرکزی جامعه‌شناسی تاریخی در روابط بین الملل، تأکید بر «سرشت اجتماعی انسان و تأثیرپذیری آن از محیط داخلی و خارجی» است. همان‌گونه که میلز می‌گوید؛ بین فرد و مشکلاتش از یک سو و عوامل اجتماعی دربرگیرنده وی از سوی دیگر، ارتباط وجود دارد جامعه‌شناسی تاریخی روابط بین الملل نیز معتقد است که بین وقایع سیاسی داخلی و دولت - جامعه از یک طرف و عوامل دربرگیرنده آن‌ها یعنی اجتماع، تاریخ و عرصه بین الملل از طرف دیگر، ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. پس، هدف جامعه‌شناسی تاریخی روابط بین الملل «عملیاتی کردن نسخه تحلیل اجتماعی میلز در روابط بین الملل به منظور توضیح و مرتفع سازی مشکلات کنونی است» (زیبایی و دیگران، ۱۳۹۷: ۸-۳). شکل زیر چارچوب نظری پژوهش مقاله را نشان می‌دهد:

شکل ۱. گذار از جامعه‌شناسی تاریخی به جامعه‌شناسی تاریخی روابط بین‌الملل

نظریه «جامعه‌شناسی تاریخی روابط بین‌الملل» چارلز رایت میلز



تاریخچه شکل‌گیری و استمرار روابط ایران و روسیه:

۱- دوران صفویه

به‌طور کلی، روابط ایران و روسیه در نیمه دوم سده شانزدهم، بر پایه سه مؤلفه تجاری، سیاسی - نظامی و تضاد ژئوپلیتیک شکل گرفت اما پس‌از آن و تا سده هفدهم، روابط اقتصادی در کنار تضاد ژئوپلیتیک، بیش از سایر مؤلفه‌ها در روابط دو کشور نقش‌آفرین شد. هرچند روس‌ها در این زمان، مشتاق دستیابی به سواحل غربی دریای کاسپین بودند و این موضوع، مقاومت ایران را در پی داشت، اما شرایط داخلی و نیاز دو کشور به تمرکز بر دشمنانشان، دو طرف را متمرکز بر ارتقا روابط و مهار کانون‌های تنش‌زای فی‌مابین کرد؛ تا جایی که در ۱۶۵۳ تزار الکسی، پدر پتر و معمار قدرت نوین در روسیه به ایران سفیر اعزام کرد. در سال‌های پایانی سده شانزدهم، مقابله با عثمانی‌ها و شیبانی‌ها (حکومت خانان در آسیای میانه از ۱۵۰۰ تا ۱۵۹۹م) انگیزه نزدیکی و همکاری ایران و روسیه بود، اما سقوط شیبانی‌ها و صلح ایران و عثمانی بر اساس عهدنامه ذهاب در ۱۶۳۹، عناصر سیاسی-نظامی دخیل در روابط دو طرف کمرنگ شد و جای خود را به الزامات هم‌جواری و تجارت میان دو کشور داد؛ هرچند در همین

مدت، روس‌ها نیم‌نگاهی به سواحل خزر و قفقاز داشتند (Sefat gol and Hosseini Taghiabad, 2020: 22). با این اوصاف، تاریخ شروع رسمی مراودات و روابط فی‌مابین ایران و روسیه که انتصاب سفیران در دو کشور و توسعه روابط تجاری را در برمی‌گرفت، به عهد صفوی بازمی‌گردد. این گسترش روابط، ریشه در مسائل ژئوپلیتیکی‌داشت و ابتدا این توسعه‌طلبی عثمانی و تهدیداتش بود که به این نزدیکی سیاسی - نظامی منجر شد؛ هرچند قرن‌ها بعد و پس از شکست‌های متعدد تاریخی عثمانی‌ها از روسیه مابین قرن ۱۶ تا ۱۸ و از بین رفتن تهدید عثمانی، روس‌ها سرزمین‌های قفقاز را هدف قرار دادند. ابتدا شاه‌عباس در ۱۵۹۲م، باب روابط تجاری با روسیه را گشود و این روابط، به پشتیبانی روس‌ها از ایران در جنگ با عثمانی مابین سال‌های ۱۶۰۳ تا ۱۶۱۲ انجامید، تا آنجا که شاه‌عباس توانست از تبریز تا تفلیس را از سیطره عثمانی خارج کند (کرمی، ۱۳۹۷: ۱۲).

در دوران پترکبیر (۱۶۹۶-۱۷۲۵) روسیه سیاست تهاجمی در قبال همسایگان خود را آغاز کرد و برنامه‌هایی در قبال ایران، قفقاز، آسیای مرکزی و هند در سر داشت. در ۱۶۹۷ روس‌ها پیتر واسیلی کوچکف را به‌عنوان سفیر دائمی در دربار صفوی نزد شاه سلطان حسین روانه کردند. در این دوران او کوشید روابط تجاری میان ایران و روسیه را گسترش دهد. در مقابل هم در ۱۷۱۲، فضلعلی بیگ برای تحویل گرفتن سفارت باشکوهی در مسکو از سوی ایران همراه با کاروان قابل توجه تجاری عازم روسیه شد. او موفق شد امتیازاتی را برای بازرگانان ایرانی کسب کند اما روس‌ها خواستار آن شدند که ایران امتیاز صادرات ابریشم از گیلان را به روسیه بدهد و این تجارت منحصرأ از سوی بازرگانان ارمنی از جلفا به سمت روسیه انجام شود. چند ماه قبل از سرنگونی شاه سلطان حسین توسط افغان‌ها، پتر به بهانه قتل چند تاجر روسی در شیروان به سواحل خزر در قفقاز حمله‌ور شد اما به دلایل شرایط پیش‌بینی‌نشده محیطی، روس‌ها در الحاق این مناطق به اهداف خود نرسیدند. در ۱۷۲۳ شاه‌طهماسب

تداوم و تغییر در روابط ایران و... ۱۲۹

دوم از واگذاری شهرهای ساحل غربی و جنوبی خزر به روسیه به موجب مذاکراتی که نماینده او در سنت پترزبورگ داشت، خودداری کرد اما در بسیاری از این شهرها روس‌ها دارای پادگان‌هایی بودند. با مرگ پتر، روس‌ها تا پایان سال ۱۷۴۰ بر مبنای توافقات رشت (۱۷۳۲) و گنجه (۱۷۳۵) پذیرفتند که شهرهای تحت حاکمیت ایران را تخلیه کنند. پس از این دوران، روابط ایران و روسیه تا پایان قرن هیجدهم محدود باقی ماند؛ اما با به قدرت رسیدن کاترین کبیر (از ۱۷۶۲ تا ۱۷۹۶) توسعه‌طلبی روس‌ها مجدداً آغاز شد (Andreeva, 2014).

جدول ۱. عوامل تأثیرگذار بر روابط ایران و روسیه در دوره صفویه



۲- دوران افشاریه و زندیه

یکی از بزرگ‌ترین مأموریت‌های نظامی زندگی نادرشاه افشار، شکست و بیرون راندن افغان‌ها از ایران طی جنگ سال ۱۷۲۹ در نزدیکی رودخانه مهماندوست بود. مصادف با همین زمان، روابط روسیه تزاری و عثمانی به دلیل عدم تقسیم رضایت‌بخش خاک ایران میان آن دو بحرانی بود. همین موضوع و

اختلاف می‌توانست زمینه را برای پیشبرد برنامه‌های نادر میسر سازد. در این برهه، روس‌ها بنا را بر کمک به شاه ایران و ارتشش علیه عثمانی گذاشتند. نادر هم توانست از فرصت استفاده کند و گرجستان، ارمنستان، آذربایجان و داغستان را تحت حاکمیت ایران بازگرداند. نادر در ۱۷۳۲ موفق شد با عقد معاهده رشت، مناطقی که از ایران بر اساس پیمان ۱۷۲۳ سنت پترزبورگ از ایران جدا شده بود را به قلمرو ایران بازگرداند و روسیه را وادار به خروج نیروهای نظامی‌اش از استرآباد و گیلان به ماوراء رودخانه کورا که سرحدات دو کشور محسوب می‌شد، کند. در عوض روسیه هم در قبال صادرات به ایران، معاف از مالیات شد (Al Zubaid, 2019: 10). اما در بحث واگذاری ایالات دربند و باکو به ایران، روس‌ها هنوز مقاومت می‌کردند و بر اساس پیمان ۱۷۳۲ کنترل بر آن‌ها را حق خود می‌دانستند. اما زمانی که نادر در ۱۷۳۴ به شیروان حمله کرد، روسیه خواست ایران را پذیرفت و این خود زمینه‌ساز قرارداد ۱۷۳۵ گنجه شد. قراردادها با روسیه و همچنین قرارداد ۱۷۳۶ با عثمانی باعث شد نادر بتواند قلمرو ایران را به‌طور کامل بازپس‌گیری گیرد و در کنار احیای نهاد دولت، در همین سال خود را شاه ایران بنامد (اسلامی، ۱۳۹۱: ۱۲).

اواسط قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹م یک دوره تاریک در روابط خارجی ایران در حوزه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بود. میزان گستره حکومت زنده در اوج قدرت خود از سال ۱۷۶۵ تا ۱۷۷۹ در حدود نیمی از دوره صفویان بود. به‌غیراز دو دهه صلح نسبی که در بخش‌هایی از ایران تحت فرمان کریم‌خان در اواخر قرن هجدهم حاکم بود، این دوران، دورانی بود که در بسیاری از مواقع به نظر می‌رسید که کشور تجزیه خواهد شد، به‌خصوص که عثمانی‌ها و روس‌ها از موقعیت استفاده کردند و بخش‌هایی از سرزمین ایران را اشغال کردند. با ورود روس‌ها، صحنه برای بازی بزرگ آماده شد، رویارویی بریتانیایی- روسی که برای ایران از اواخر قرن هجدهم تا اوایل قرن بیستم سرنوشت‌ساز بود

(Houshisadat, 2018: 12). در اواخر دوره نادرشاه اختلاف تجاری میان روسیه و ایران شدت گرفت. این اختلاف ناشی از تصمیم مقامات تزاری در ۱۷۴۸ مبنی بر ضبط چند هزار تومان از دارایی‌های ایران بود که نادرشاه کمتر از یک سال قبل از مرگش جهت خرید خز روسی و صادرات مجدد به غرب از مسیر آستاراخان به مسکو اختصاص داده بود. این قبیل اختلافات منجر به ارسال نامه‌ای از سوی کریم‌خان زند به کاترین دوم در روسیه شد. نامه کریم‌خان به کاترین دوم اختلافات تجاری کمتر شناخته‌شده‌ای بین ایران و روسیه را که اندکی پس از مرگ نادرشاه رخ داده بود، روشن می‌کند. کریم‌خان در این نامه به مأموریت قبلی نماینده نادرشاه در روسیه؛ حاج محمد شفیع در اشاره ۱۷۴۶ اشاره دارد که نادر به او مأموریت داده بود که بخشی از درآمد سالانه مالیاتی گیلان در تجارت با روسیه سرمایه‌گذاری شود. اما پولی که حاج شفیع با خود به روسیه برده بود توسط مقامات این کشور در آستاراخان تقلبی تشخیص داده شد و توقیف شد. در مقابل ایران هم برخی از بازرگانان روسی در رشت را بازداشت کرد (Ghereghlou, 2020: 16). مساله قفقاز، از دیگر حوزه‌هایی بود که در این دوره روابط ایران و روسیه را تحت‌الشعاع قرار می‌داد. علیرغم تعامل محدود بین دو کشور، سیاست‌های توسعه‌گرایانه تزارها در مورد قفقاز که از حاکمیت پتر اول سرچشمه گرفته بود، ادامه یافت. در کنار آن بی‌کفایتی حاکمان محلی نیز در قفقاز، چالش دیگری برای حکومت زندیه بود. مثلاً در سال ۱۷۶۸ در نامه‌ای که مردم نخجوان به کریم‌خان زند نوشتند، از دولت ایران خواستند تا به قانون ناعادلانه حسین‌علی خان، حاکم وقت این منطقه رسیدگی کند که این امر هم‌زمان بود با استقرار نظامیان روس در بخش‌های از گرجستان!

تردیدی نیست که سلسله زند، تمامیت ارضی و گسترش حاکمیت ایران را از جمله در مناطق همسایه مانند قفقاز در نظر داشت؛ اما با این وجود عوارض ناشی از درگیری‌های مداوم با مدعیان داخلی و رقبا، غفلت و بی‌سوادی نسبت

به مفهوم سیاست بین‌الملل، بی‌کفایتی‌ها در ارتش و غیره، فرصتی برای ایجاد یک سیستم اداری کارآمد باقی نگذاشت و از شکل‌گیری روابط پایدار و مقتدرانه با روسیه جلوگیری کرد: (Nabi salim And Cheraqch, 2021: 5).

جدول ۲. عوامل تأثیرگذار بر روابط ایران و روسیه در دوره افشاریه و زندیه



۳- دوره قاجاریه

جنگ‌های ایران و روس، روابط خارجی ایران در دوره قاجار را شکل داد. ساختار قدرت در نظام بین‌الملل آن روزگار (رقابت روسیه و انگلیس) ایران را به سمت جنگ با روسیه سوق داد و نتیجه آن، شکست ایران در دور اول و دوم جنگ‌ها و تحمیل قراردادهای گلستان و ترکمانچای بود. انگلستان و فرانسه متعهد شده بودند که در برابر روسیه از ایران حمایت کنند اما هیچ‌وقت این مساله رنگ واقعیت به خود ندید. حتی بعد از ترکمانچای، انگلستان تلاش کرد تا هرات را هم از ایران جدا کند (موسوی نیا، ۱۳۹۴: ۱۷).

پس از مرگ کریم‌خان زند در ۱۷۷۶، آغامحمدخان از ایل قاجار تا ۱۷۹۴ توانست تمام رقبای داخلی از جمله لطفعلی‌خان زند، آخرین مدعی حکومت از

تداوم و تغییر در روابط ایران و... ۱۳۳

سلسله زندیه را کنار بزند و بر تمام ایران و سرزمین‌های قفقاز از جمله گرجستان حاکم شود. او روستایی کوچک به نام تهران را در کنار ویرانه‌های باستانی شهرری به‌عنوان پایتخت خود برگزید و در ۱۷۹۶ تاج‌گذاری کرد. اما در سال بعد ترور شد و برادرزاده‌اش، فتحعلی شاه جانشین او شد و در دوره فتحعلی شاه جنگ‌های ایران و روس آغاز شد. فتحعلی شاه که به‌قصد فتح گرجستان وارد جنگ اول خود با روسیه شد، شکست خورد و طبق قرارداد گلستان ۱۸۱۳، الحاق گرجستان و بخش مهمی از قفقاز به روسیه را پذیرفت. در جنگ دوم ایران و روس وضع به‌مراتب بدتر شد و با شکست دوباره فتحعلی شاه، قرارداد ترکمانچای ۱۸۲۸ امضا شد که این بار ایران کل مناطق شمالی ارس شامل ارمنستان و آذربایجان را نیز از دست داد. در دوره فتحعلی شاه تماس دیپلماتیک ایران و اروپا و رقابت آن‌ها بر سر ایران افزایش پیدا کرد. محمدشاه قاجار (۱۸۳۴) جانشین فتحعلی شاه، تحت نفوذ روسیه بود و به همین دلیل دو تلاش ناموفق جهت تصرف هرات کرد. او در ۱۸۴۸ مُرد و پسرش، ناصرالدین‌شاه جانشین وی شد. سیاست ناصرالدین‌شاه این بود که از بی‌اعتمادی متقابل روسیه و انگلستان به جهت حفظ ایران بهره‌برداری کند، اما در این کار ناموفق بود (برای مثال، جدایی هرات از ایران توسط انگلستان و رسیدن روسیه به مرزهای شمال شرق ایران و قطع ارتباط تاریخی ایران با شهرهای مهم آسیای میانه مانند سمرقند و بخارا) (Rashidvash, 2012: 4).

مساله رقابت اقتصادی روسیه و انگلستان در نیمه دوم قرن نوزدهم بسیار حائز اهمیت است. انقلاب صنعتی، انگلستان را به دنبال تسلط بر بازارهای مصرفی جدید و استعمار ترغیب کرد. ایران نیز در این بین، برای روس‌ها و انگلیسی‌ها بخش مهمی از این بازی جدید بود. تا آنجا که اعطای امتیازات گسترده اقتصادی به روسیه و انگلیس، یکی از سه مؤلفه سیاست خارجی ایران در این دوره (قاجار) بود. پس از انقلاب مشروطه (که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد) پیمان ۱۹۰۷ روسیه و انگلیس و تقسیم ایران به حوزه نفوذ این دو قدرت

جهانی، شرایط سیاسی و اقتصادی ایران را دگرگون کرد. به عبارت دیگر، مهم‌ترین و تأثیرگذارترین سیاستی که در این عصر روابط ایران با روسیه و انگلستان را تعریف می‌کرد، طرح به اصطلاح «بازی بزرگ» بود. بازی بزرگ یک رقابت سیاسی - نظامی میان روسیه و انگلستان بود که ایران به دلیل هم‌جواری با هند و آسیای مرکزی و سواحل طولانی با خلیج فارس و دریای عمان، نقش مهمی در محاسبات این دو قدرت جهانی پیدا کرد. ضعف دولت‌های قاجار در قرن نوزدهم هم، زمینه نفوذ هرچه بیشتر قدرت‌های خارجی را فراهم کرد تا این بازی، شکل واقعی به خود بگیرد. ایران در این بین، نقش حائل را داشت، روس‌ها در فکر رسیدن به آب‌های گرم جنوب بودند و انگلیسی‌ها پس از تسلط کامل بر هند و برخی جزایر و گذرگاه‌های مهم در خلیج فارس و اقیانوس هند، تلاش داشتند تا از رسیدن ناپلئون به مستعمراتش در این حوزه جلوگیری کنند. فتحعلی شاه و ولیعهد و پسر تاجدارش، عباس میرزا و محمدعلی شاه، تلاش داشتند تا با استفاده از رقابت‌ها و تضادهای میان روسیه و انگلیس، اقتدار دوره صفوی را احیا کنند اما ناکام ماندند. ناصرالدین شاه هم با رویکرد مدرنیزه‌سازی کشور، می‌خواست با امتیازدهی به این دو قدرت و حضورشان در ایران، بهره‌بردار شود که نتایجی در پی نداشت و بیشتر کشور را درگیر کرد (Bonakdar And Kamalvand, 2021: 3).

روسیه در این بین و در رقابت با انگلستان در ایران توانست امتیازات مهمی را از ناصرالدین شاه بگیرد؛ امتیاز راه آهن و تأسیس بانک استقراضی در ۱۸۹۱، کسب امتیازهای مالی پیرامون سند اقتصادی ضمیمه شده به قرارداد ترکمانچای، تسلط روس‌ها بر امورات مالی ایران از جمله گمرکات (عواید گمرکی در واقع تضمین بانکی وام‌های اخذ شده توسط دولت ایران بود) از مهم‌ترین آن‌هاست. سیاست استقراضی مظفرالدین شاه و وام‌گیری‌های قابل توجه از روسیه به واسطه بانک استقراضی (۱۹۰۰-۱۹۰۱) هم را باید به موارد بالا افزود. همین سیاست‌ها و واگذاری امتیازات به قدرت‌های خارجی بود که در نهایت شرایط

عمومی جامعه را به جایی رساند که زمینه انقلاب مشروطه فراهم شد. با تشکیل اولین مجلس در ایران (۱۹۰۶)، حق واگذاری امتیازات اقتصادی، اخذ وام و پیمان‌ها از دست شاه خارج شد. همین موضوع تقابل مجلس و محمدعلی شاه (۱۹۰۷) را در پی داشت و نشان داد که منافع روسیه با نهاد سلطنت در ایران چقدر پیوند خورده است. پس از حمله به مجلس شورای ملی توسط شاه و پس از آن، جنگ میان ملی گرایان و سلطنت‌طلبان، شاه عزل و از کشور خارج شد و مجلس دوم (۱۹۰۹) تشکیل شد. پس از آن، روس‌ها تلاش کردند محمدعلی شاه را به قدرت بازگردانند و به همین علت در ایران حضور نظامی پیدا کردند اما موفق نشدند. اما حدفاصل مجلس دوم تا شروع جنگ جهانی اول، نایب السلطنه و کابینه ایران تحت نفوذ انگلیس و روسیه باقی ماندند. شروع جنگ جهانی اول با تعرض عثمانی به بخشی از خاک کشور (مناطق غرب دریاچه ارومیه) همراه بود و از آنجاکه که میان عثمانی و روسیه دشمنی و تعارض وجود داشت، روس‌ها این را دلیلی به جهت تقویت نظامی خود در خاک ایران دانستند. در همین حین، کشور درگیر تاج‌گذاری احمدشاه هفده‌ساله بود. مجلس سوم هم (۱۹۱۵) شدیداً مشی ضد روسیه و انگلستان را دنبال می‌کرد و طرفداران آلمان هم در بین آن‌ها کم نبود. در نهایت، با وجود آشفتگی کشور در پی حضور نیروهای نظامی خارجی و پارلمانی از هم گسیخته، کابینه مستوفی‌الممالک در ۱۹۱۵ سقوط کرد. از این دوران تا پایان جنگ جهانی اول (۱۹۱۸)، سیاست خارجی ایران همسو با متفقین پیش می‌رفت (رمضانی، ۱۳۹۹).

پیچیدگی‌ها و تضادها در این دوران تنها در سیاست خارجی ایران دیده نمی‌شد. عرصه سیاست داخلی در این مقطع هم با وجود گروه‌های گوناگون سیاسی و اجتماعی و قومی، آشفتگی‌هایی را تجربه می‌کرد. بختیاری‌ها که در برقراری مجدد نظام مشروطه در ۱۹۰۹ نقش داشتند، در کنار قشقای‌ها علیه انگلیسی‌ها می‌جنگیدند. در مقابل ایل خمسه با بریتانیا همکاری داشت. یا بخشی از

مجاهدین آذربایجان پس از فروپاشی نظام مشروطه در ۱۹۱۱، با روس‌ها درگیر بودند و بخشی دیگر به ارتش عثمانی پیوستند و با آن‌ها همکاری کردند. اما یکی از مهم‌ترین طیف‌های تأثیرگذار داخلی که به نحوی به سیاست روس‌ها در ایران ارتباط پیدا می‌کرد، «نهضت جنگل» به رهبری میرزا کوچک خان بود. میرزا که فردی ملی‌گرا و مذهبی بود در ۱۹۰۹ با سلطنت‌طلبان به‌منظور برقراری مجدد نظام مشروطه جنگیده بود. او پس از زخمی شدن (نبرد استرآباد) و مداوا در تفلیس و بازگشت به ایران، توانست با کمک افرادی چون دکتر حشمت طالقانی، حاج احمد کسمائی و احسان الله خان تا ۱۹۱۵، کمیته «اتحاد اسلام» را به‌منظور اصلاح داخلی و رهایی از سلطه خارجی تشکیل دهد. هرچند انقلاب بلشویکی روسیه تأثیر زیادی بر نهضت جنگل داشت و کمونیست‌ها به دنبال راه‌هایی برای نزدیکی و بهره‌برداری از این نهضت بودند (احسان الله خان، یار میرزا که گرایش‌های سوسیالیستی داشت نقش اصلی را در نزدیکی میرزا به بلشویک‌ها برای کمک خواهی از آن‌ها بازی می‌کرد)، اما بعدها در جریان تشکیل جمهوری شورایی گیلان توسط میرزا، اختلافات درونی اعضای این نهضت آشکار شد. همین اختلافات بود که بعدها به دولت مشیرالدوله جسارت داد تا با جلب نظر احمدشاه به گیلان حمله کند و به غائله گیلان خاتمه دهد (حتی تا ۱۹۲۰ اسماعیل‌آباد، مرکز بلشویک‌های ایرانی و رشت به کنترل دولت درآمد)، اما متعاقباً روس‌ها هم به‌منظور حمایت از بلشویک‌های ایرانی وارد شمال کشور شدند. این درگیری‌های پراکنده در منطقه ادامه داشت و مساله گیلان تا روی کار آمدن رضاخان، حل‌نشده باقی ماند (همان، ۱۳۹۹).

جدول ۳. عوامل تأثیرگذار بر روابط ایران و روسیه در دوره قاجاریه



۴- دوره پهلوی اول

پیش از کودتای اسفند ۱۲۹۹، جامعه ایران، یک جامعه بحرانی محسوب می‌شد. پیوند مشکلات اقتصادی و سیاسی داخلی با دخالت و حضور نظامی بیگانگان، این بحران را فراگیر و ریشه‌دار کرده بود. بریتانیایی‌ها که در طول جنگ جهانی اول وارد ایران شده بودند، حضور بلشویک‌ها در ایران و مسائل ناشی از تعلیق قرارداد ۱۹۱۹ را بهانه ماندن کردند. نیروهای روس هم در ۱۹۲۰ برای حمایت از حکومت شورایی گیلان و فراهم کردن مقدمات امضای پیش‌نویس پیرامون مذاکرات ۱۹۲۰ دولت مشیرالدوله با روس‌ها دوباره وارد خاک ایران شده بودند.

باروی کار آمدن رضاخان پس از کودتای اسفند ۱۲۹۹، روابط خارجی ایران به‌مانند طریقه به قدرت رسیدن خود او، تابعی از شرایط نظام‌بین‌الملل بود. انگلیسی‌ها از ترویج کمونیسم در ایران واهمه داشتند و روس‌ها هم، امنیت و ثبات مرزهای جنوبی‌شان را در اولویت می‌دانستند. پس با ظهور یک دولت مرکزی مقتدر موافق بودند. ضمن اینکه در دوره رضاخان هراس جدی از تجاوز و نقض دوباره مرزهای ایران توسط یک قدرت خارجی وجود داشت. در رابطه

با شوروی، او از تقابل مستقیم با اتحاد شوروی پرهیز می‌کرد و تلاش کرد تا با کاهش وابستگی اقتصادی به شوروی، آسیب‌پذیری کشور را کاهش دهد (موسوی نیا، ۱۳۹۴: ۲۰). احمدشاه، آخرین شاه قاجار فردی بی‌کفایت بود و سلطنت او نمی‌توانست تمامیت و نظم در ایران را ضمانت کند. پس روس‌ها پیش از کودتای رضاخان، خواهان تضمین امنیت مرزهای ایران به‌واسطه یک دولت مقتدر بودند. ضمن اینکه از دید آن‌ها با روی کار آمدن چنین دولتی، شرایط اجتماعی و سیاسی ایران بیشتر به‌طرف بورژوازی (پیشا سوسیالیسم) حرکت خواهد کرد. البته ایران در دوران پیش و پس از کودتا ۱۲۹۹، همیشه نگران نفوذ مسکو در ایران و گسترش بلشویسم بود؛ اما با این حال یکی از مهم‌ترین اقدامات دولت پس از کودتا، عقد قرارداد مودت ایران و شوروی مورخ ۱۹۲۱ بود. این قرارداد هم از نگرانی‌های مسکو بابت اوضاع ایران می‌کاست و هم شرایط اقتصادی و بازرگانی ایران را بهبود می‌داد که کشور به‌شدت پس از دوران نابسامان قاجاریه به آن نیاز داشت. ضمناً، به‌واسطه این قرارداد و نیاز شوروی به نزدیکی بیشتر به ایران و نشان دادن حسن نیتش و اینکه ایران را تا حد ممکن از بریتانیا دور کند، روس‌ها دست از حمایت از جنبش‌های انقلابی نظیر نهضت جنگل کشیدند (ابراهیمی‌فر و منوری، ۱۳۹۴: ۱۳).

از زمان امضای معاهده مودت ۱۹۲۱ ایران و شوروی تا آغاز حکومت رضاشاه، سه چالش اساسی در سیاست خارجی ایران با شوروی وجود داشت؛ ۱- حضور نیروهای نظامی شوروی در ایران که در ۱۹۲۰ دوباره وارد کشور شدند (که بعدها قوام‌السلطنه تصویب پیمان ۱۹۲۱ در مجلس را منوط به خروج روس‌ها از ایران کرد) ۲- بحران گیلان، که پس از خروج روس‌ها از ایران حل‌نشده باقی‌مانده بود. دولت قوام با استفاده از اختلاف میان احسان الله خان و میرزا کوچک خان و وسوسه میرزا با پیشنهاد فرمانروایی گیلان، سعی کرد آن را حل‌وفصل کند؛ اما درنهایت با استفاده از زور و هجوم نیروهای ارتش و

تداوم و تغییر در روابط ایران و... ۱۳۹

رضاخان و مرگ میرزا پایان یافت. ۳- شکل و نوع تجارت ایران با روسیه. استیلای اقتصادی روسیه بر ایران ریشه در قبل از انقلاب مشروطه و دوره قاجار داشت. چیزی بیش از ۶۰ درصد اقتصاد آن زمان ایران وابسته به روسیه بود. در نتیجه، ایران ناگزیر به تجارت با روسیه و بر اساس توافقات نابرابر گذشته بود. اما بر اساس معاهده ۱۹۲۱، باید جزئیات قرارداد تجاری جدیدی مشخص می‌شد. پس این قرارداد از این جهت برای ایران و کاهش وابستگی به روسیه مهم بود. استقلال تجاری از روس‌ها، یکی از مهم‌ترین اهداف حکومت رضاشاه در روابطش با این کشور بود. پس از انقلاب بلشویکی، دولت شوروی سیاست‌های تزاری در ایران را محکوم کرد و ابراز کرد که به تمامیت ارضی و استقلال ایران احترام می‌گذارد. پس در ژوئیه ۱۹۲۰ و در دولت سپهدار (جانشین مشیرالدوله) تهران و مسکو مذاکرات (که بعدها منجر به قرارداد مودت دو کشور در ۱۹۲۱ شد) را آغاز کردند. بر اساس این قرارداد، معاهده ترکمانچای و حقوق فرامرزی روسیه در ایران ابطال شد. امتیازات مالی روسیه در ایران و بازپرداخت وام‌های اخذ شده توسط ایران لغو شد. بسیاری از زمین‌ها و ساختمان‌های متعلق به تجار روس در ایران به دولت منتقل شد. مرزهای قرارداد ۱۸۸۱ تثبیت شد و ایران متعهد شد که از حضور یک قدرت سوم و ضد منافع روسیه در ایران جلوگیری کند، در غیر این صورت، روسیه حق مداخله در ایران را برای خود محفوظ می‌دارد. هرچند بعدها و در دوره رضاشاه، ایران سیاست «قدرت سوم» و رفتن به سمت ایالات متحده آمریکا (به دلایل اقتصادی) را در پیش گرفت (رضائی، ۱۳۹۹).

جدول ۴. عوامل تأثیرگذار بر روابط ایران و روسیه در دوره پهلوی اول



۵- دوره پهلوی دوم

از ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۰ دوره‌ای پرتنش در روابط ایران و شوروی بود. "مسائل تنش آفرین مانند ورود متفقین در خلال جنگ جهانی دوم به ایران، حزب توده، جریان دموکرات آذربایجان و غیره از رویدادهای این دوره در تشدید اختلاف میان ایران و شوروی بود. اما هم‌زمان با این دوره تاریخی، به دلیل اینکه مجاورت جغرافیایی و همسایگی و تأثیرات آن بر دو کشور قابل‌انکار نبود؛ روابط اقتصادی، تجاری و صنعتی هم رو به گسترش بود. تا جایی که شوروی را پدر صنایع سنگین در ایران به‌واسطه پایه‌گذاری مجتمع ذوب‌آهن در اصفهان و ماشین‌سازی در اراک می‌دانند. در مقابل نیز قرارداد بازرگانی ۱۳۴۵ میان ایران و اتحاد شوروی که امتیاز صادرات به شوروی را برای ایران امکان‌پذیر کرد. مابین سال‌های ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۱ در عین همکاری اقتصادی میان دو کشور، ایستادگی و مقاومت سیاسی در مقابل هم در جریان بود. ایران مصمم بود تا در مقابل تلاش‌های شوروی برای دور کردن ایران از کشورهای غربی و

تداوم و تغییر در روابط ایران و... ۱۴۱

کمپانی‌های نفتی‌شان، مقاومت کند و از نزدیکی استراتژیک شوروی به خلیج فارس جلوگیری به عمل بیاورد. از مهم‌ترین اختلافات میان دو کشور عضویت ایران در پیمان نظامی بغداد بود (بعد از خروج عراق از این پیمان به سنتو تغییر نام داد) که شوروی آن را خلاف حسن نیت و هم‌جواری قلمداد می‌کرد. اما برخلاف تبلیغات علیه کمونیست‌ها در ایران (برای توجیه نزدیکی ایران و آمریکا و خریدهای گسترده تسلیحاتی) در محاسبات نظامی ایران، درگیری با شوروی از احتمال بسیار کمی برخوردار بود؛ تا جایی که شاپور آذربزین از فرماندهان نیروی هوایی ایران (قبل و بعد از انقلاب) معتقد بود که اساساً ایران توانایی رویارویی با شوروی را نداشت و راهبرد ما در این زمان، تأخیر در عملیات احتمالی شوروی (به سمت جنوب و خلیج فارس) و قطع راه‌های مواصلاتی که به شوروی در صورت ورود به ایران کمک کند، بود (موسوی، ۱۳۹۷: ۱۲).

تحركات سیاسی و نظامی شاه، قطعاً موجبات نگرانی همسایگان ایران از جمله اعراب را که در شرایط تنش با غرب و اسرائیل به سر می‌بردند، فراهم کرد. شوروی در این وضعیت تمایل خود را برای نزدیکی به عراق نشان داد و در آوریل ۱۹۷۲ (فروردین ۱۳۵۱) عهدنامه اقتصادی و امنیتی با عراق را امضا کرد. همچنین در همین زمان کمک‌های نظامی و اقتصادی شوروی به سوریه هم برقرار شد. این روابط موجب تیرگی مناسبات ایران و شوروی برای مدت کوتاهی شد؛ به طوری که شاه ایران را بر آن داشت که برای بار سوم، به شوروی سفر کند تا از روابط شوروی با کشورهای عرب اطمینان حاصل کند. این سفر جدا از رفع کدورت، موجب تفاهم و امضای قرارداد بازرگانی ۱۵ ساله ۱۳۵۱ شد که برای ایران ساخت یک سلسله صنایع و تأسیسات راهبردی مانند ذوب‌آهن اصفهان، نیروگاه برق حرارتی اهواز، ماشین‌سازی اراک و غیره شد. در ادامه این روند، موافقت‌نامه اسفندماه ۱۳۵۲ در زمینه‌های معادن، پتروشیمی، انرژی و افزایش ظرفیت صنایع سنگین، قرارداد آبان ماه ۱۳۵۳ در پی آخرین

سفر شاه به مسکو در حوزه ارتقای همکاری‌های اقتصادی، قرارداد آبان ماه ۱۳۵۴ انتقال گاز شوروی به اروپای شرقی که بخشی از خط لوله آن از مرز ایران و شوروی عبور می‌کرد و شوروی با خرید گاز از ایران، نیاز به منابع انرژی برای منطقه قفقاز شوروی را تأمین می‌کرد و می‌توانست بخش بزرگی از تولید گاز طبیعی خود را به شرق اروپا صادر کند و همچنین قرارداد نظامی مهرماه ۱۳۵۵ که به خرید تسلیحاتی ایران از اتحاد جماهیر شوروی منجر شد، منعقد شدند. گسترش روابط ایران و شوروی در دهه ۵۰ شمسی به سطحی رسیده بود که والتر جی. رمزی، دبیر دوم سفارت آمریکا وقتی از ویکتور جی اوزی پف، همتای روس خود سؤال کرد که «با توجه به بهتر شدن روابط ایران و شوروی، بهتر نیست که دولت شوروی از شاه ایران بخواهد محدودیت‌ها علیه حزب توده را لغو کند، که دبیر سفارت شوروی پاسخ منفی می‌دهد و خاطرنشان می‌کند که همکاری ایران و شوروی بر محور اقتصادی است نه مسائل ایدئولوژیک و سیاسی، و اینکه حزب توده خط قرمز حکومت شاهنشاهی ایران است، با این اوصاف روس‌ها ضرورتی بر حمایت از حزب توده نمی‌بینند» (ازغندی، ۱۳۹۲). این مطلب اوج نزدیکی ایران و شوروی را اثبات می‌کند. این قبیل اظهار نظرات و حجم مبادلات تجاری و احداث صنایع و زیرساخت سنگین در ایران از طرف شوروی حاکی از عدم تمایل دو کشور برای بالا رفتن تنش و خصومت است. دو کشور در این دوره تاریخی، با جایگزین کردن نگاه کارکردی و فنی به‌جای مسائل سیاسی و ایدئولوژیک، دوره مهمی از همکاری‌های گسترده را تجربه کردند.

جدول ۵. عوامل تأثیرگذار بر روابط ایران و روسیه در دوره پهلوی دوم



۶- سال های ابتدایی انقلاب اسلامی ایران

ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی به ایران همانند یک غنیمت استراتژیک نگاه می کردند. مسکو ایران را برای امنیت جنوب خود حیاتی می دانست و آمریکا کنترل ایران را برای ادامه سیاست مهار و تسلط ژئوپلیتیک برای منابع انرژی خاورمیانه اساسی می دانست (saikal, 2010: 3). همان طور که قبلاً اشاره شد، همکاری های اقتصادی میان شوروی و ایران در دهه ۵۰ شمسی به سطحی رسیده بود که مسائل ایدئولوژیک و حمایت شوروی از نیروهای چپ و حزب توده، به اولویت چندم این کشور بدل شده بود و شوروی تا ماه های آخر حکومت پهلوی از اتخاذ یک موضع روشن در قبال مسائل ایران خودداری می کرد و سیاست صبر و انتظار را در پیش گرفته بود. هرچند با سقوط دولت شاپور بختیار و برقرار شدن دولت موقت انقلاب، شوروی سیاست صبر و انتظار را خاتمه داد و دولت انقلابی در ایران را به رسمیت شناخت، اما همیشه یک نگرانی در قبال ایران در قبل و بعد انقلاب، شوروی را همراهی می کرد و آن

این بود که فضای انقلابی ممکن است نیروهای راست‌گرا را در ایران به قدرت برساند (ازغندی، ۱۳۹۲).

کودتای کمونیستی افغانستان در آوریل ۱۹۷۸ که منجر به سقوط دولت حفیظ الله امین شد، زمانی اتفاق افتاد که علیرغم تأثیر منفی‌اش در روابط ایران و شوروی، به دلیل حوادث منتهی به انقلاب، ایران فرصت واکنش مناسب در برابر آن را پیدا نکرد. هرچند بعدها با پیروزی انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) در برابر آن موضع انتقادی گرفتند و به وینوگرافد، سفیر شوروی در ایران درباره مداخله در افغانستان یا در مناطقی از ایران مانند بلوچستان و کردستان هشدار دادند. با پایان یافتن قضیه تسخیر سفارت آمریکا در ایران توسط دانشجویان در اواخر پاییز ۱۹۸۰ (که شوروی از ابتدای این موضوع در نوامبر ۱۹۷۹ تلاش داشت با استفاده از فرصت تیرگی روابط آمریکا و ایران، بیشتر به تهران نزدیک شود و به‌نوعی اقدام دانشجویان را تأیید کند) ایران به دلیل مشغله تنش با آمریکا و تغییر سیاست، موضوع افغانستان را موقتاً از دستور کار خارج کرد ولی از اهمیت موضوع افغانستان برای انقلاب اسلامی کاسته نشد. زمانی که در ۲۷ دسامبر همان سال هزاران افغان مقابل سفارت شوروی در تهران تجمع همراه باخشم و نفرت از اقدامات شوروی برگزار کردند، روس‌ها دولت ایران را به عدم انجام وظیفه حفاظت از دیپلمات‌ها و سفارتشان متهم کردند (Rubinstein, 1981: 7). تهاجم شوروی به افغانستان مصادف با سال‌های انقلاب در ایران، فراتر از یک تحرک و اقدام نظامی علیه دشمنان کمونیسم در داخل قلمرو اتحاد جماهیر شوروی بود. انقلاب اسلامی ایران یک انقلاب واقعی بر اساس اسلام سیاسی بود که می‌توانست درک شوروی از تهدید را متحول کند. وقایعی مانند احاطه و محاصره شهر مکه توسط اسلام‌گرایان اهل سنت و ترور انور سادات در ۱۹۸۱ توسط بنیادگرایان مصری، از نگاه شوروی می‌توانست تبعات انقلاب ایران را فراتر از مرزهای آن کشور ببرد. درحالی‌که شوروی در تلاش بود اسلام‌گرایان را در پشت مرزهای خود متوقف کند و از

سرایت آن با مناطق آسیای میانه جلوگیری کنند، آمریکایی‌ها ابزار مذهبی سعودی را در کنترل و مهار شوروی در افغانستان و محدود کردن گسترش شیعه به شرق مناسب دیدند (Ansari & Aarabi, 2019: 5).

همان‌طور که گفته شد سیستم دوقطبی ملاحظات خاصی در قبال انقلاب اسلامی اتخاذ کرد. آمریکایی‌ها که با وقوع انقلاب سیاست مهار شوروی و کنترل ژئوپلیتیک غرب آسیا را از دست‌رفته می‌دیدند و تصور درخطر افتادن حیات متحدانش مانند اسرائیل را در خاورمیانه در سر داشتند، برخلاف دکترین کارتر وارد عمل شدند و با مداخله مستقیم و غیرمستقیم در امور ایران به دنبال تسلط دوباره برآمدند تا ورق را برگردانند. از طرف دیگر، شوروی که احساس می‌کرد انقلاب ایران توانایی و پتانسیل ایفای نقش فراتر از مرزهای فیزیکی خود را دارد و عنصر محرک و پیش‌برنده آن یعنی دین و ارزش‌های مذهبی، همان چیزی است که تفکر چپ مدت‌هاست در ایدئولوژی خود تلاش کرده آن را فاقد قدرت تغییر و خارج از مناسبات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی بداند، حالا نه تنها خط بطلانی بر آن تفکر کشیده است؛ بلکه از منظر سیاست خارجی شوروی می‌تواند به مناطقی نفوذ کند که مانند آسیای مرکزی در کنترل سرزمینی آن‌هاست.

جدول ۶. عوامل تأثیرگذار بر روابط ایران و روسیه در سال‌های ابتدایی انقلاب

اسلامی ایران



۷- دوره جمهوری اسلامی ایران

روابط ایران و شوروی پس از انقلاب اسلامی ایران، تابعی از فضای دوقطبی جنگ سرد بود. مسائلی مانند جنگ افغانستان و حضور نظامی روس‌ها در این کشور و مساله پناهندگان افغان، حزب توده، الحادی دانستن ایدئولوژی کمونیسم از طرف رهبران ایران یا ارتباط روس‌ها با رژیم بعث و حمایت تسلیحاتی از آن، مواردی بود که روابط ایران و شوروی را در دهه اول پس از انقلاب اسلامی تحت تأثیر قرار داده بود.

اما با روی کار آمدن میخائیل گورباچف و بعدها، بوریس یلتسین، به چهار علت روس‌ها تلاش کردند روابط دوستانه‌ای را با ایران برقرار کنند: ۱- پایان جنگ عراق و ایران در ۱۹۸۸؛ ۲- رحلت امام خمینی (ره)؛ ۳- خروج شوروی از افغانستان در اوایل ۱۹۸۹ و ۴- فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی. در این مقطع روس‌ها فروش سلاح به ایران را آغاز کردند و تکمیل راکتور اتمی بوشهر در دستور کار قرار گرفت. ایران هم پس از سال‌ها تلاش برای صدور

تداوم و تغییر در روابط ایران و... ۱۴۷

ایدئولوژی اسلام سیاسی، در موضوع جنگ اول چین در ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۶ از تمامیت ارضی روسیه دفاع کرد و جانب جدایی طلبان چینی را نگرفت؛ چراکه ایران هم سابقاً با مشکل جدایی طلبی مواجه بود. ایران و روسیه در موضوع پایان جنگ داخلی تاجیکستان در ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۷ میان کمونیست‌ها و اسلام‌گرایان با یکدیگر همکاری داشتند و در جنگ داخلی افغانستان هم از جبهه ضد طالبان حمایت می‌کردند. البته در مسائلی مانند توافق چرنومیردین-گور در ۱۹۹۵ که به محدود شدن تسلیحات اتمی و دانش هسته‌ای روسیه منجر می‌شد، ایران ناخشنود بود. البته این توافق، قراردادهای در حال انجام از جمله نیروگاه بوشهر را شامل نمی‌شد. بحث تدوین رژیم حقوقی دریای خزر هم از مهم‌ترین مسائل فی‌مابین ایران و روسیه با وجود سه کشور استقلال یافته، جدید بود (N. Katz, 2015: 3).

از زمان به قدرت رسیدن ولادیمیر پوتین در روسیه در سال ۲۰۰۰ سطح همکاری‌های روسیه و ایران به شکل بی‌سابقه‌ای افزایش داشته است. تهدیدات مشترک مانند تروریسم، افراط‌گرایی، قاچاق مواد مخدر و امنیت در آسیای میانه و همچنین منافع مشترک در حوزه دریای خزر، بحران سوریه، مقابله با تحریم‌ها و حوزه انرژی، زمینه‌های توسعه روابط مناسبی را برای دو کشور فراهم کرده است. هرچند تحریم‌های بین‌المللی موانعی را در مسیر همکاری‌های دو و چندجانبه مانند عضویت ایران در پیمان شانگهای، اتحادیه اقتصادی اوراسیا، کریدورهای حمل‌ونقل به روسیه از طریق خاک ایران، نفت و گاز و فنی و نظامی ایجاد کرده است. در کل، در مقایسه با سطح سیاسی، سطح روابط اقتصادی دو کشور هنوز پایین است (Anastasia, 2018: 4). اولین سفر پوتین به ایران در ۲۰۰۱ انجام شد و حاکی از تمایل روس‌ها برای ارتقای روابط خود در قبال ایران بود چراکه در نوامبر سال قبلش، روس‌ها اعلام کرده بودند که می‌خواهند از قرارداد ۱۹۹۵ با ایالات متحده که فروش تسلیحات و صادرات دانش اتمی را ممنوع می‌کرد، خارج شوند. متعاقباً حجم فروش

تسلیمات روس‌ها به ایران بین سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۵ از ۳۰۰ میلیون دلار به ۱/۷ میلیارد دلار رسید. اخیراً هم روسیه و ایران به توافق رسیده‌اند تا از سال ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۱ تجارت دوجانبه را ۳۰ درصد افزایش دهند. دو کشور به همکاری‌های ژئوپلیتیک هم علاقه نشان داده‌اند؛ مثلاً اجازه ایران از استفاده نظامی روسیه از پایگاه‌های هوایی نوژه برای بمباران اهدافی در سوریه در اوت ۲۰۱۶ یک پیشرفت اساسی در روابط دو کشور بود؛ زیرا برای اولین بار از زمان انقلاب اسلامی ایران به یک ارتش خارجی اجازه داده می‌شد تا از قلمرو ایران اقدام کند. نگرانی مشترک میان ایران، روسیه و سوریه در خروج آمریکا از عراق و افغانستان، حائز اهمیت است و نوعی نزدیکی استراتژیک قلمداد می‌شود. این تحولات حاکی از نگرانی فزاینده ایران و روسیه از اقدامات ایالات متحده آمریکاست. توصیف آمریکا از روسیه و ایران به‌عنوان 'دشمن' احساسات ضدآمریکایی آن‌ها تقویت کرده و هر دو کشور را علیه یک‌جانبه‌گرایی ایالات متحده آمریکا متحد کرده است. این نارضایتی مشترک روسیه و ایران را از لحاظ استراتژیک به یکدیگر نزدیک‌تر کرده است Biswas (8; 2019, & Chakraborty).

موضوع مذاکرات هسته‌ای ایران و غرب و توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ و حواشی پیرامون قرارداد فروش سامانه پدافند هوایی اس ۳۰۰ (که در سال ۱۳۹۵ به صورت کامل تحویل ایران شد) از دیگر موضوعات مهم در روابط ایران و روسیه در این سال‌ها بوده است. سیاست خارجی دولت‌های یازدهم و دوازدهم در ایران، به فهم روس‌ها از سیاست ایران در آن مقطع جهت اتخاذ یک رویکرد اساسی کمک شایانی کرد. برای مثال روس‌ها دریافته‌اند که جریان چپ (اصلاح‌طلبان) در ایران، در صورت بهبود و امکان برقراری روابط با دنیا، غرب را در اولویت همکاری قرار خواهند داد. در حال حاضر، با روی کار آمدن دولت جدید در ایران و اراده تغییر جهت در اولویت‌بندی سیاست خارجی، دو کشور با توجه به تجربیات تاریخی پرفرازونشیب خود و آگاهی از نقاط

اشتراک، به بالاترین سطح یعنی دعوت ولادیمیر پوتین از ابراهیم رئیسی جهت سفر به مسکو رسید که انتظار می‌رود پس از سفر رئیس‌جمهور ایران به روسیه، شاهد روند جهشی اساسی اقتصادی، سیاسی و امنیتی در تاریخ روابط دو کشور باشیم.

جدول ۷. عوامل تأثیرگذار بر روابط ایران و روسیه در دوره جمهوری اسلامی

ایران



نتیجه‌گیری

نگارش مقاله پیش‌رو، با این مفروض آغاز شد که یک سری عوامل اساسی در طول تاریخ وجود داشته‌اند که ساخت و توسعه روابط تاریخی ایران و روسیه را ممکن کرده‌اند؛ از این رو پرسش این پژوهش نیز در جهت استخراج و شناخت آن عوامل تعریف شد. سپس در ادامه با مطالعه دقیق‌تر، مشخص شد که سه عامل اساسی «تحولات سیاسی داخلی»، «تهدیدات مشترک» و «مزیت توسعه تجارت دو جانبه» روابط ایران و روسیه را در یک زمینه تاریخی شکل داده و پیش برده است. با مطالعه این مرادوات در بستر تاریخی مشخص شد که از آغاز روابط ایران و روسیه در دوران صفوی و قرن ۱۶ ام، نقش توسعه تجارت

پرنگ بوده و به تناسب تمایلات سیاسی داخلی، افزایش داشته است. در کنار آن افزایش نگرانی دو کشور از توسعه‌طلبی عثمانی و اقدامات سیاسی مانند اعزام سفرا به خاک یکدیگر، این روند شدت گرفت. در مقاطعی هم مانند قرن ۱۸ ام و با تغییر سیاست روس‌ها علی‌الخصوص تمایل آن‌ها به تسلط بر قفقاز، زمینه تنش در روابط دوجانبه پدید آمد. در دوران افشاریه نیز که این مناسبات باهدف احیای تمامیت ارضی ایران و جنگ‌های پی‌درپی میهنی توأمان بود، ایران از فرصت تنش میان روسیه و عثمانی بهره برد و حاکمیت کشور را بر قفقاز بازگرداند؛ البته در برابر آن، برخی امتیازات تجاری حساب‌شده نیز به روس‌ها داده شد. اما این روند در دوران زندیه به دلیل ضعف‌های داخلی؛ چه از لحاظ سیاسی و تجاری و چه از حیث نظامی در مقابل روس‌ها معکوس شد و آن‌ها ابتکار عمل را در دست گرفتند. دوران قاجار و جنگ‌های دو کشور در قفقاز و قرن نوزدهم، تقریباً تمام موضوع سیاست خارجی ایران با روسیه را تشکیل می‌داد که این خود گویای اهمیت این مساله است. درنهایت ایران تسلط خود بر قفقاز را طی دو معاهده گلستان و ترکمانچای از دست داد و پیرامون همین قضیه و در پی آن، سیاست‌های استقرایی شاهان قاجار، قرارداد ۱۹۰۷ انگلیس و روسیه، واکنش جامعه ایران (انقلاب مشروطه) به این تحولات و شروع جنگ جهانی اول و اشغال ایران، اوضاع را میان ایران و روسیه پیچیده‌تر کرد.

ظاهراً تلاش‌ها در دوران پهلوی اول در جهت متوازن کردن روندی بود که از زمان قاجار میان دو کشور به وجود آمده بود. مهم‌ترین مساله فی‌مابین در این برهه، خروج نیروهای نظامی خارجی از ایران و کاهش وابستگی اقتصادی به روسیه ذکر شده است. نتیجه این اهداف به قرارداد مودت ۱۹۲۱ ایران و شوروی ختم شد که روس‌ها از بسیاری از امتیازات تجاری سابق خود (ناشی از قراردادهای گلستان و ترکمانچای) در ایران دست کشیدند در عوض پهلوی اول متعهد به جلوگیری از حضور یک قدرت سوم ضد منافع روسیه در ایران

شد (که البته بعدها این تعهد از سوی پهلوی اول نقض شد). با پایان جنگ جهانی دوم، روابط ایران و شوروی در دوره پهلوی دوم با توجه به حضور دو کشور در دو قطب متضاد سیاسی- نظامی مرسوم در آن زمان و اختلافات سیاسی از جمله وابستگی ایدئولوژیکی حزب توده به شوروی، توسعه تجارت قابل توجهی را تجربه کرد که در برخی موارد به قراردادهای طویل مدت بازرگانی ختم شد. در این بازه زمانی همکاری‌های فنی ایران و شوروی در صدر اولویت‌ها قرار گرفت تا جایی که شوروی به پدر «صنایع سنگین ایران» شناخته می‌شد. با وقوع انقلاب اسلامی، ایران از بلوک غرب خارج شد و شوروی پس از مدتی با به رسمیت شناختن انقلاب اسلامی از این تحول استقبال کرد. مواضع ضد امپریالیستی و ضد آمریکایی جمهوری اسلامی ایران در قلب خاورمیانه برای سران شوروی قابل توجه بود اما مهم‌تر از آن، شوروی از این نکته نیز آگاه بود که ماهیت انقلاب اسلامی، دینی است و این قرابتی با ایدئولوژی کمونیسم ندارد. این موضوع در مواردی مانند مواضع ایران در قبال حضور نظامی شوروی در افغانستان نمود پیدا کرد. با این حال، با تثبیت حاکمیت جمهوری اسلامی ایران و پایان جنگ هشت‌ساله که مصادف با اواخر عمر شوروی نیز بود، دوباره ضرورت همکاری‌ها در حوزه‌های اقتصادی، فنی و نظامی میان دو کشور با تغییر سیاست‌ها علی‌الخصوص در شوروی از سر گرفته شد. این روند تا آغاز قرن بیست و یکم ادامه داشت اما با روی کار آمدن ولادیمیر پوتین ارتقای قابل توجهی به خود دید. موضوع حضور نظامی آمریکا در خاورمیانه در این مقطع و موضع مشترک دو کشور، دیدگاه‌های ایران و روسیه را بیش از پیش به یکدیگر نزدیک کرد. موضوع تهدید تروریسم، همکاری‌های فنی از جمله توسعه فناوری و نیروگاه اتمی در ایران، حسن هم‌جواری، مواضع مشترک در قبال مسائل امنیتی منطقه‌ای، تعیین تکلیف رژیم حقوقی دریای خزر، همکاری امنیتی دوجانبه در بحث جنگ داخلی سوریه، پیگیری مزیت‌های اقتصادی و کریدورهای ترانزیتی و عضویت ایران در پیمان‌های منطقه‌ای

هم‌زمان با روی کار آمدن دولت جدید در ایران) از مواردی است که از دهه دوم قرن ۲۱ به بعد، ایران و روسیه را به مفهوم «همکاری استراتژیک» نزدیک و نزدیک‌تر کرد.

جدول ۸. روند نگاری مهم‌ترین وقایع تاریخی روابط ایران و روسیه



منابع

فارسی

- رضانی، روح‌الله. (۱۳۹۹). *تاریخ سیاست خارجی ایران*. تهران: نشر نی.
- کریمی، جهانگیر. (۱۳۹۷). ایران و روسیه در گذر تاریخ محیط امنیتی و مسأله تهدید و اتحاد. *تاریخ روابط خارجی* ۱۹ (۷۵): ۲۳.
- اسلامی، روح‌الله. (۱۳۹۱). روابط خارجی ایران از صفویه تا برآمدن نادرشاه (با تأکید بر روابط صفویه و عثمانی). *تاریخ روابط خارجی* ۱۳ و ۱۴ (۵۲ و ۵۳): ۱۲.
- موسوی نیا، سید رضا. (۱۳۹۴). از رئالیسم کلاسیک تا رئالیسم ایرانی؛ تحلیل نظری روابط خارجی ایران با قدرتهای بزرگ (۱۵۰۱ - ۱۹۷۹). *پژوهشهای راهبردی سیاست* ۴ (۱۵): ۱۷.
- ابراهیمی فر، طاهره، و سید علی منوری. (۱۳۹۴). عصر رضاشاه پهلوی و تجدید معادلات پیشین در تاریخ روابط خارجی ایران (۱۳۰۴ - ۱۳۲۰). *علوم سیاسی* ۱۱ (۳۳): ۱۳.
- موسوی، سید رسول. (۱۳۹۷). روابط نظامی ایران و روسیه (از قاجار تا پهلوی). *تاریخ روابط خارجی* ۱۹ (۷۴): ۱۰-۱۴.
- ازغندی، علیرضا. (۱۳۹۲). *روابط خارجی ایران*. تهران: نشر قومس.
- زیبایی، مهدی، رضا، سیمبر، و احمد، جانسیز. (۱۳۹۷). جامعه شناسی تاریخی روابط بین الملل، چارچوبی نظری برای تحلیل نظم فرامللی. *پژوهشنامه ایرانی سیاست بین الملل* ۶ (۲): ۳-۸.

References

- Sefat Gol, Mansour, and Seyed Mehdi, Hosseini Taghiabad. (2020). From Attempts to Form a Coalition to Worsened Relations; Transformation in Iran and Russia Relations in the Seventeenth Century. *Journal of Central Eurasia Studies*, Faculty of Law and Political Science 13(1): 22.
- Andreeva, Elena. (2014). *RUSSIA i. Russo-Iranian Relations up to the Bolshevik Revolution*. Encyclopædia Iranica, online edition. Available at: <http://www.iranicaonline.org/articles/russia-i-relations> (accessed on 24 Apr 2022).
- Al Zubaid, Nawal Kashish. (2019). Russian-Iranian Relations in the Safavid and Qajar Era: A Historical Study. *International Journal of Innovation, Creativity and Change* 8(10): 10.
- Ghereghlou, Kioumars. (2020). A Forgotten Money Heist: The 1746 Mission of Nadir Shah's Chief Merchant in Russia Revisited. *British Institute of Persian Studies*: 16.
- Houshisadat, Seyed Mohammad. (2018). Foreign Policy of Modern Persia (Iran) and the Middle East. *Journal of International and Global Studies* 10(1): 12.
- Nabi salim, Mohammad, And Qasem, Cheraqch. (2021). Russia, Zands and Issue of Caucasus. *GTTAD* 3(5): 5.
- Rashidvash, Vahid. (2012). Qajar Rule in Iran: In the Qajar Government Events that Changed the Fate of Iran. *International Journal of Asian Social Science* 2(6): 4.
- Bonakdar, Seyyed Masoud Seyyed, and Mahnaz, Kamalvand. (2021). the Role of the Great Game in the Inefficiency of the Formality System of the Iranian Court from 1796 to 1896. *Geopolitics Quarterly* 18(4): 3.
- Saikal, Amin. (2010). Islamism, the Iranian revolution, and the Soviet invasion of Afghanistan. *Cambridge University Press*: 3.
- Rubinstein, Alvin Z. (1981). The Soviet Union and Iran under Khomeini. *International Affairs* 57(4): 7-10.
- Ansari, Ali, And Kasra, Aarabi. (2019). *Ideology and Iran's Revolution: How 1979 Changed the World*. Tony Blair Institute for Global Change: 5.
- N. Katz, Mark (2015) *Iran and Russia*. The U.S. Institute of Peace: 3.
- Anastasia, Goncharova. (2018), the main aspects of Russia-Iran relations at the present stage (2000-2018).s *IRIS SUP' Enseignement Supérieur en Relations Internationales*: 4.
- Biswas, Samprity and Suryasekhar, Chakraborty. (2019). Russo-Iranian Relations in the Light of Putin's Foreign Policy and the Iranian Nuclear Crisis. *Jadavpur Journal of International Relations*: 8.

- Lawson. George. (2007). Historical Sociology in International Relations: Open Society, Research Programme and Vocation. *International Politics* 44(4): 2.
- Pula, Besnik & Yannis, A. Stivachtis. (2017). Historical Sociology and International Relations: Interdisciplinary Approaches to Large-scale Historical Change and Global Order. *International Studies*, Oxford University Press: 1